تنصیص و تخمیص

1 یکی تنصیص باشد کو فنادست / صریحا ذکر لفظی کان مرادست
دگر زاهد ز حال دین حزین است / که چشمت بر سر تاراج دین است

تسمیه

2 وزان پس تسمیه اصلیست مطلوب / وقوع از میسر بر دو اسلوب
یکی از نام حرفی خواستن حرف / بقصد حرف کردن نام را صرف
دوم از حرف قصد نام کردن / وزان مقصود را اتمام کردن
قبا بر قد تو میدوزد ایام / برار از قاف تا قاف ای پسر نام
بود روی تو گل زلف تو سنبل / نهد سر سنبلت بر دامن گل

تلمیح

3 هم از اعمال تحصیلیست تلمیح / بگویم با تو شرح آن بتصریح
اشارت کردنست از لفظ مذکور / بلفظ دیگر اندر جای مشهور
چو خوانی مطلع سبع المثانی / بدانی نام خود بی حرف ثانی
چو تابد مهر ازین فیروزه ایوان / شود نام تو با ناهید و کیوان
فغان از خنده آن لعل که با / ز گنج دیده ام در تا [illegible]

ترادف و اشتراک

5 بود چارم ترادف زانچه با کیست / اگر گویم که پنجم اشتراکست
دو لفظ از بهر یک معنی معین / چو شد از ترادف خوانی تو ازان
چه باشد اشتراک از لفظ واحد / دو معنی فهم کردن در موارد
شراب از دست بیش ماه ساقی / حدیث زهد و تقوی ساز باقی
شب آن شمع دل از صد غصه پرداخت / که رخ بنمود چاه چشم [illegible]

تصحیف

6 ششم ز اعمال تحصیلیست تصحیف / بشبت بینت [illegible]

چو بینم صورت عیش مهنا / وزان نام خوشت گردد مهیا
گزیدم از خموشی لب بدندان / لب شیرین او شد گوهر افشان

استعاره و تشبیه

چو آید اصل هفتم در عبارت / در آن تشبیه خوانی یا استعارت
باسم سازی حرفی را نشان مند / که باشد حرف را معنیش مانند
چو بستم صورت از لبهای خندان / نمودی در تبسم شکل دندان

اعمال حسابی

بود هشتم عملهای حسابی / کش از دخل عدد خالی نیابی
فروع این عمل بسیار باشد / که شرح یک بیک دشوار باشد
همان بهتر که بی قیلی و قالی / نمایم بعضی آنها را مثالی
یکی را اگر کنی هم در یکی جای / شود نقد تو نام آن دل آرای
اگر خورشید در چشمت زکوت / رخ آن مه ببین باری که چون است
گرفتم نیمهٔ آن لب بدندان / دهان را از دهانم داشت پنهان
رو عمرم بسر بر وجه دلخواه / چو رو بنمایدم در سالی آن ماه
بی نام خود از خورشید ابرار / کشاد از هم دو انگشت نگونسار

کنایه

9 بجا آمد نهم کامد کنایت / رسید اعمال تحصیلی بغایت
بود از این که لفظی را نشانی / کنز بی این اصول [illegible]
[illegible] / [illegible]

زین الدین
بابر
سلام
احمد
سهل
عطا
میر
شجاع
حبیب
موسی
حسن
احمد
صدر
یوسف
شمس
عثمان